

یادداشت

دکتر یعقوب توکلی، نویسنده و پژوهشگر

### جاودانه با خلیج پارسی



منطقه ما به تدریج توسط دولت‌های گوناگون اروپایی، از پرتغالی‌ها و هلندی‌ها گرفته تا انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها مورد نفوذ قرار گرفت. در هندوستان و برخی مناطق جزایر خلیج پارسی و اقیانوس هند که مستقر شدند، برای استقرار پایدار در این منطقه به ایجاد زیرساخت‌هایی نیاز داشتند. یکی از این زیرساخت‌ها، تربیت انسان‌هایی خدمتگزار برای خودشان بود. به بیان ساده باید آحاد مردم منطقه به‌ویژه طبقه نخبه را بنابر این در گذشته یک قاعده بود، اکنون نیز یک قاعده است و در آینده نیز چنین خواهد بود؛ قاعده بنده‌پروری و به استخدام درآوردن انسان‌ها در مسیر منافع خویش. این استخدام به شیوه‌های گوناگون انجام می‌شد. برخی با پول، بعضی با مقام و البته با همان پول ملت خودمان یعنی ملت میزبان، اینها برای دخالت‌های گوناگون خود با استفاده از ثروت ملت میزبان به یک عنصری امکانات می‌دهند و با این واگذاری‌ها بهره‌پروری می‌پردازند برای منافع خودشان اما به خرج دیگران و از جیب مستعمره‌ها! به‌قول ضیاءالدین دری سازنده سریال کیف انگلیسی اگر کیف انگلیسی از سفارت انگلستان آمده باشد، قطعاً محتوی آن از شرکت نفت، که متعلق به مردم ایران بود- تأمین شده. آری، پول مردم ایران. یکی از برنامه‌های این استخدام، تغییر عناوین، تاریخ و نشانه‌هاست؛ تبدیل این نشانه‌ها به نشانه‌های انگلیسی یا اروپایی. تغییر زبان یکی دیگر از روش‌هاست. عرض دربارۀ توطئه نیست، عرض این است که این کار یک روز یا دو روز نیست و نه توجہ ندارند و اینگونه واژگان را مانند واژه‌های مرتبط با توطئه، بی‌پروا در این باره به‌کار می‌برند. خیر، این یک استراتژی بلندمدت است؛ به‌ویژه‌که زبان تا این حد اهمیت دارد. در این راستا تاریخ و تحریف آن در مسیر منافع امپراتوری انگلستان، فرانسه یا دیگر کشورها، یک پروژه بلندمدت یا حتی می‌توان گفت یک پروسه بلندمدت است. این روند طولانی است و نیاز به استفاده از واژگانی چون توطئه نیست. من نسبت به واژه توطئه مانند واژه جاسوس حساسیت دارم. زیرا ماجرا بسیار عمیق‌تر از اینهاست. برای نمونه، برخی درباره کسانی که خدمتگزار غربند، واژه جاسوس به‌کار می‌برند اما جاسوس خیرا جاسوس مثلاً یک درجه‌دار نظامی یا شبه‌نظامی سازمان اطلاعاتی است که برای دفاع از منافع وطنش- هرچند نامشروع- جاسوسی می‌کند یا عملیاتی انجام می‌دهد اما کسی که در سرزمین خود علیه مردم خود با دشمن همکاری می‌کند، به او نمی‌توان جاسوس گفت. او درواقع مزدوری بدبخت است که البته بسیاری از آنها حتی پیشگامند، یعنی خودشان ابتدا به سان رو به غرب و استعمار می‌آورند. استعمار با قانون‌های نمایندگی غرب در منطقه به اینان آدرس و نشانه می‌دهند. مانند همان دریانوردی که آدرس جزیره هرمز را می‌دهد یا کسی که اسکندر را راهنمایی کرد از کدام مسیر حمله به ایران را انجام دهد. این اشخاص که با دشمن همراهی می‌کنند، ارزشی در همین اندازه دارند، نه بیشتر. لطفاً کمی روی این موضوع تمرکز کنید. چرا اینقدر بر تغییر نام از خلیج پارسی به یک واژه جعلی تأکید دارند؟ این به‌نوعی ایجاد کانون فتنه و اختلاف است. ظاهراً جمال عبدالناصر این کار (تحریف نام خلیج فارس) را در جدالی که با محمدرضا پهلوی داشت آغاز کرد. توجه کرده‌ایم، مسئولانی که برای تحریف نام خلیج فارس به‌ویژه در حاشیه جنوبی این دریای پارسی تحت عنوان حامی یا مأمور حمایت وارد شده‌اند، از دیرباز امضاهایی به نام خلیج پارسی داده‌اند. پدران و اجداد و شناسنامه‌های‌شان همه به نام خلیج پارسی بوده. این ادعاهایی که اکنون مطرح می‌کنند، خودشان می‌دانند چندان پایه و اساسی ندارد اما کسانی که در خارج از منطقه بر تغییر نام تأکید دارند، جز به بازار نفت و گاز و منافع منطقه توجهی ندارند و صداقت به خرج ندهاده‌اند. این فتنه‌ها برنامه‌هایی است که صهیونیست‌ها در قبال مملکت و فرهنگ ما دارند.



# دیپلماسی ادبی

# باشعر شهریار

## رئیس‌جمهور با بهره‌مندی از شعر شهریار پاسخ محکمی به تجزیه‌طلبان داد



آرش شفا‌عی  
گروه فرهنگ و هنر

امضای چندین تفاهم‌نامه همکاری مشترک در حوزه‌های مختلف اقتصادی، امنیتی و فرهنگی شد، سفری موفق و نشان‌دهنده عزم دولت برای تقویت دوستی و ارتباط با کشورهای همسایه بود اما در این سفر علاوه بر این تفاهم‌نامه‌ها، نکته‌هایی هم نهفته بود که جا دارد درباره آنها صحبت شود.

می‌دانیم که چندسالی است برخی گروه‌های اندک با مقاصد سیاسی سعی در فعال کردن گسل‌های قومیتی در ایران دارند و به‌خصوص در شمال غرب کشور فعالیت‌های پرانگه اما پیگیری دارند.

این گروه با دست بردن در تاریخ و جعل و دروغ سعی دارند هویت ایرانی و عشق و علاقه مردم آذربایجان به‌عنوان سرایران و مهد وطن‌دوستی و مجاهدت برای سرفرازی وطن را کم‌رنگ جلوه دهند. این گروه‌های اندک که درک و شناخت دقیقی از مردم آذربایجان و مسئولان کشور ندارند، به این امید بودند که با انتخاب یک رئیس‌جمهور از منطقه شمال غرب کشور با فراغ بال دست به تحرکات ضدملی خود بزنند.

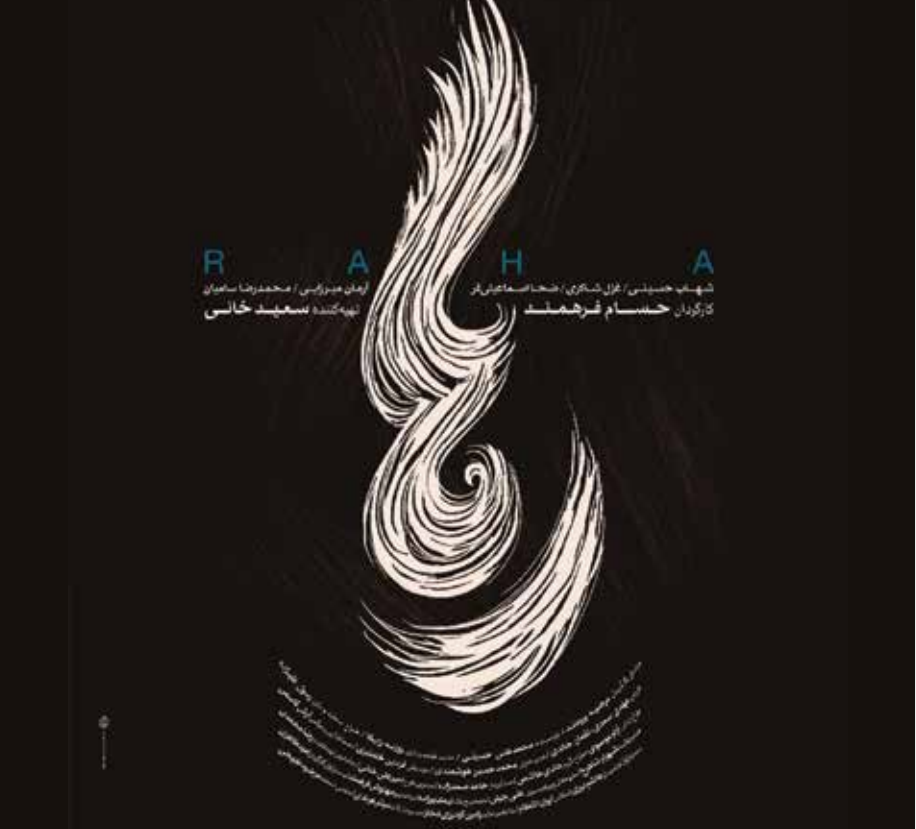
سفر دکتر پزشکیان به باکو از این منظر دارای اهمیت بود. جمهوری آذربایجان یکی از کانون‌های تقویت اینگونه تفکرات ضدملی در ایران است و مقامات این کشور در جعل تاریخ برای پررنگ کردن تقابل موهوم میان زبان ترکی و فارسی سابقه دارند. مقامات این کشور سال‌هاست با استفاده از قرار گرفتن آرامگاه شاعر بزرگ فارسی‌زبان (نظامی گنجوی) در کشور خود سعی دارند این شاعر را شاعری ترک‌زبان و غیرایرانی جا بزنند و برای این کار از

هیچ اقدامی هم فروگذار نکرده‌اند؛ از جایگزین کردن کتیبه‌های فارسی آرامگاه او به کتیبه‌های ترکی، جعل کردن شاعری ترک‌زبان به نام نظامی قونوی به جای نظامی گنجوی تا چاپ اسکناس‌هایی به تصویر شاعر ایرانی. این درحالی است که خود نظامی به‌صراحت درباره عشق به ایران و سرزمین مادری‌اش گفته: «همه عالم تن است و ایران دل/ نیست گوینده زین قیاس خجل».

#### پاسخی قاطع به جعل تاریخ

رئیس‌جمهور در این سفر جمله‌ای تاریخی گفت که بیان آن در خاک جمهوری آذربایجان تیزهوشی و درایت مقامات کشور را نشان می‌دهد. پزشکیان در دیدار با ایرانیان مقیم جمهوری آذربایجان گفت: ما با یکدیگر ارتباط و سابقه چندین هزار ساله داریم. هرچه در ادبیات نظامی گنجوی گشتم نتوانستم یک بیت شعر ترکی پیدا کنم. نظامی گنجوی اهل آذربایجان است اما ایتیان به زبان فارسی است. این

# «رها»؛ گامی لرزان در مسیر سینمای اجتماعی



#### رخدادهای تصادفی

بازار داغ درام‌های اجتماعی در سینمای ایران طی یک دهه گذشته یکی از ترش‌های سینمای بدون ژانر است. زمانی که از مقابل پردیس‌های سینمایی عبور می‌کنیم با انبوهی از زشتی‌ها در طراحی پوستر آثاری مواجه می‌شویم که گویی همه عوامل آنها مشترک هستند و صرفاً جای بازیگران و نام کاراکترها عوض می‌شود. شکی نیست که در این آشفته بازار این درام‌های اجتماعی هستند که باعث می‌شوند مخاطب حداقل برای گفتن از سینمای نداشته این روزهای ایران حرفی برای گفتن داشته باشد. اثر جدید فرهنگم نیز سعی دارد در کمترین زمان ممکن به هر آنچه‌که در بطن جامعه دیده و شنیده، واکنش نشان دهد. اولین سؤالی که در حین تماشای این فیلم ذهن را درگیر می‌کند، این است که چرا کارگردان قاب آکادمیک را برای اثر خود انتخاب کرده. در سینما معمولاً زمانی از این قاب بهره می‌برند که کارگردان تأکید خاصی روی کلورآپ‌ها و خطوط چهره کاراکترها داشته باشد. باید بگویم اینگونه قالب‌بندی که در رها می‌بینیم در سینمای عریض‌قاب این روزها انتخاب می‌شود تا مخاطب نزدیکی بیشتری به کاراکترها داشته باشد و از این طریق بهتر با دیالوگ‌ها و کنش و واکنش‌های آنها ارتباط برقرار کند. در این فیلم اما گویی کاربرد چنین قایی دور از این اهداف است.

#### ضعف فیلمنامه در پایان‌بندی منسجم

رها با تمرکز بر مشکلات خانوادگی و مالی سعی دارد سؤالات کلیدی را درباره طبقات فرودست جامعه مطرح کند؛ موضوعی که در ادبیات سینمایی به دقت بررسی شده است. این فیلم می‌تواند احساس همدلی در تماشاگران نسبت به مشکلات اجتماعی ایجاد کند؛ به‌ویژه زمانی که عمق شخصیت‌ها و روایت‌ها به خوبی به تصویر کشیده شود. ضعف فیلمنامه در پایان‌بندی نامنسجم، یادآور برخی از تجربه‌های ناموفق سینمای مستقل فرانسه است. رها، هر قدر در بازی شخصیت‌ها موفق بوده لیکن در شخصیت‌پردازی روی کاغذ، ناموفق عمل کرده است.

بازی شهاب حسینی توانسته عمق اخلاقی و چندگانگی شخصیت توحید را به تصویر بکشد. در عین حال برخی شخصیت‌های فرعی از نظر عمق و ساختار ضعیف به نظر می‌رسند. دیالوگ‌ها و رفتارهای توحید در برخی نقاط تکراری و بدون پشتیبانی اثرگذار به نظر می‌رسد. نگاه شخصیت مادر با بازی غزل شاکری که زنی منفعل و غرغرو را نشان می‌دهد تفاوت آنها را به خوبی نمایان می‌کند.



محمد رضا دلیر  
منتقد سینما

اوایل انقلاب به‌طور جدی وارد ادبیات سینمایی شد بیشتر از آن‌که محصول جریان فکری سینماگران باشد نقشه‌راهی پنهان از سوی مدیریت و سینمایی بود که تکلیف سینماگران قبل از انقلاب واکران فیلم خارجی را با روش انقلابی و ممنوعیت روشن کرده بود. سکانس تراژیک یافتن جسد که ساعاتی مانع تهویه هوای آن خانه مجلل می‌شود تصویری به یادماندنی است. به‌نظم این سکانس می‌تواند تمثیلی ناخودآگاه از انبوه فیلم‌های متفاوت، ساختارشکن و حتی زیرزمینی سینمای ایران باشد که در دهه‌های گذشته در مسیر سینمای ایران از بین رفتند ولی بالاخره روزی از کانالی وارد سینمای ایران خواهند شد و حق خود را خواهند گرفت.

#### بحران تصمیم‌گیری در یک خانواده فقیر

رها از فیلم‌های ایران شده چهل و سومین جشنواره فجر است که خانواده‌ای دچار بحران مالی را به تصویر می‌کشد. نمایش وضعیت مالی بحرانی و اتفاقات تلخی که برای خانواده می‌افتد همراه با برخی ناهنجاری‌ها اثر را برای زیر ۱۶ سال نامناسب کرده است. صحنه ورود پلیس به خانه و صدمه دیدن رها همچنین درگیری‌های لفظی در کلانتری وجود دارد. در یک سکانس توحید به صورت پسر شاک می‌کوبد. صحبت و شرح جزئیات چاقو خوردن دختری که از آن دزدی شده در اثر وجود دارد. تعلیق صحنه‌های ورود پلیس و ورود مخفیانه به خانه بالاست، همچنین صحنه پیدا شدن جسد رها می‌تواند دلهره‌آور باشد. هر چند که فقط پاهای اونمایش داده می‌شود. نمایش استعمال سیگار در اثر زیاد است. بعد از کشف حقیقت که دزدی توسط پسر خانواده اتفاق افتاده است والدین او تلاش می‌کنند روی کار فرزندشان سرپوش گذاشته و آن را از همه مخفی کنند. هر چند پشیمانی والدین بازنمایی دقیق و واضحی ندارد اما اثر این پیام را منتقل می‌کند که اگر عناصر بنیادی خانواده مخصوصاً پدر نقش خود را درست ایفا نکنند، خانواده دچار فروپاشی شده و اتفاقات از کنترل خارج می‌شود. در فیلم رها با داستانی از سیاه‌روزی‌های خانواده ایرانی روبه‌رو هستیم اما با دغدغه‌های سانتی‌مانتال‌تر و با پرداختی بسیار ضعیف‌تر از اسلاف خود! داستان با منطق بدتر شدن همه چیز پیش می‌رود و در جایی که انتظار داریم به پایان نمی‌رسد، مانند اغلب ملودرام‌های اجتماعی ایرانی! فیلم یک پایان باز ندارد و سازنده تلاش می‌کند رفتار شخصیت‌ها را توجیه کند اما هرچه بیشتر پیش می‌رویم، حفره‌های شخصیت‌پردازی بیشتر نمایان شده و مطمئن می‌شویم که خانواده‌نه‌از فقر، که از بحران تصمیم‌گیری رنج می‌برد.